



۱۰

چگونه تقدیر جمعی از مردم علی‌آباد کتول از نماینده این شهر در مجلس به ضد تبلیغ بدل شد

باریکلا حاج اسدا... باریکلا

آقای دبیر! قولتان را فراموش کردید



گزارش جام جم از گرایش جدید اما غیر متعارف هالیوود

ابرقهرمانان سیاه گل کاشتند

فرهنگ

یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ :: شماره ۵۱۳۳۷



۱۲

جام جم

امروز چی داریم؟

ناهار داشتیم

چه ناهاری!

النفات دارید دقیقا کی بود که توی همین ستون، یکی از همکاران را مورد عنایت قرار دادیم که پایان نامه کارشناسی ارشدش را دفاع کرده و همین طوری خرم خرم بلند شده و آمده تحریریه و انگار نه انگار که جمعی در گروه فرهنگی به نیابت از مخاطبان چهار صفحه فرهنگی چشم به راه شیرینی هستند!

خب حالا که دقیقا یادتان آمد داریم از چه چیزی صحبت می‌کنیم و برای این‌که همچنان بر طریق عدالت و انصاف حرکت کنیم، اجازه بدهید این قسمت را هم اضافه کنیم که فرد مورد نظر در يك اقدام انتحاری و صد البته دست و دلبازانه، دست به جیب شده و از خجالت همه اعضای گروه فرهنگی در آمد و ناهار روز گذشته را هممان ایشان بودیم؛ ان شاء... دفاع از رساله دکتری فرد مورد نظر؛ نقطه برویم سر صفحات ببینیم امروز چه خبر است!

اول از همه از مطلب فرد مورد نظر شروع کنیم که این روزها با پایان نامه

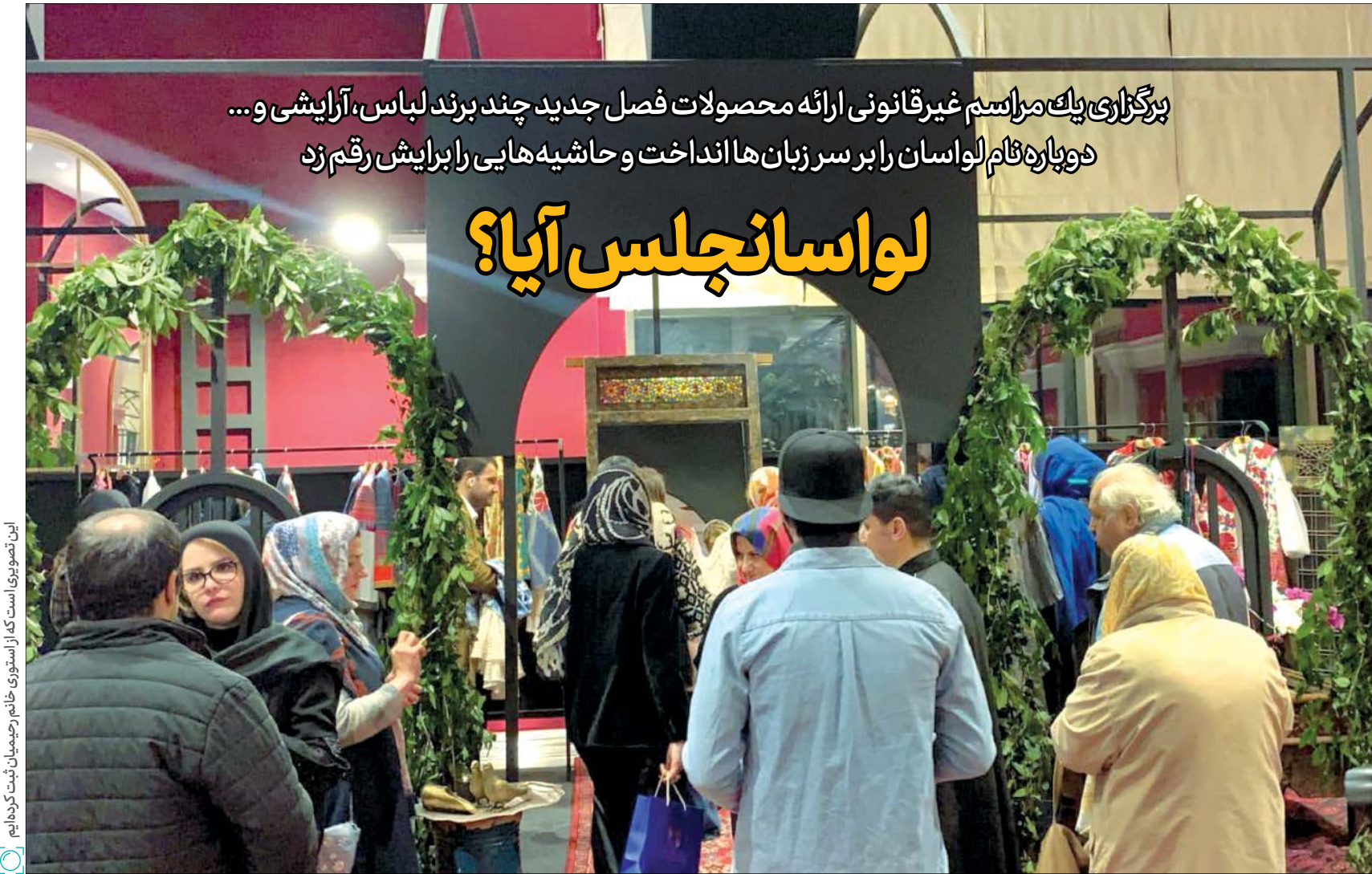
کارشناسی ارشد ادبیاتش، کیف کوکی هم دارد. زینب مرتضایی فرد در گزارش خودش که در همین صفحه هم می‌توانید گزارش او را درباره عکس‌ها و فیلم‌هایی که روز گذشته از یک فشن شو در شهر لواسان منتشر شد بخوانید.

مرتضایی فرد که احتمالا هنوز گرم است و متوجه نیست دیروز چه بلایی سرش آمده، در این گزارش رفته سراغ حاضران و مسؤولان مرتبط با این رویداد و بررسی کرده بالاخره چه اتفاقی رخ داده و اصلا فشن شویی در کار بوده یا نه!

ورق بزنید و بروید صفحه بعد ببینید چه سوزه‌ای پیدا کرده و سراغ چه چیزی رفته‌ایم! يك تابلوی تبلیغاتی خوشامد به نماینده یکی از شهرهای شمالی را پیدا کرده و به دلیل نوع گرافیک و طراحی و ادبیاتی که توی این تابلوی تبلیغاتی (در اصل ضدتبلیغ) موج می‌زده را سوزه کرده‌ایم.

با خود آقای نماینده هم حرف زده و صحبت‌های ایشان را هم در گزارش ذکر کرده‌ایم. بچه‌های صفحه سینما هم قول جناب داروغه‌زاده دبیر جشنواره است که داروغه‌زاده قبل از جشنواره قول داده بود بعد از جشنواره، ریز سرمایه‌گذاری‌های فیلم‌ها را منتشر کند و مشخص شود سرمایه هر فیلمی از کجا آمده است.

الان تقریبا ۲۰ روز از اختتامیه جشنواره هم گذشته است و ته دیگ ماجرا هم خورده شده ولی هنوز قول آقای دبیر اجرایی نشده! همین هم باعث شد بچه‌های سینما بروند سراغ این ماجرا و دوباره بحث از کجا آورده‌ای را داغ کنند! این شما و این گزارش سینمایی جام‌جم!



برگزاری يك مراسم غیرقانونی ارائه محصولات فصل جدید چند برند لباس، آرایشی و... دوباره نام لواسان را بر سر زبان‌ها انداخت و حاشیه‌هایی را برایش رقم زد

لواسانجلس آیا؟

این تصویری است که از اسفندی خام رخیمیان ثبت کرده‌ایم

یک مراسم خیلی عادی

حرکت تبلیغ سعی کرده بود با حضور آنها فضایی متفاوت برای حاضران که مشتری‌های خاص ما هم بودند، ایجاد کند. به هیچ وجه لباس‌های آنها برای فروش ارائه نشده بود، ضمن این‌که لباس‌های ما هم فقط برای معرفی در این رویداد حضور داشتند و خبری از فروش نبود. این طرح لباس تاکید می‌کند: کار غیرقانونی انجام نشده و حرکت و اتفاق نامناسبی هم رخ نداده است. فقط مشتری‌های خاص ما آمدند، کارهای جدیدمان را دیدند و پذیرایی شدند. مراسم اصلا طوری نبود که حتی به گرفتن مجوز هم نیاز داشته باشد.

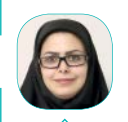
گفتم که نوشته بودند رخیمیان مجرم اصلی اتفاق است، خودش اما روایت دیگری دارد و می‌گوید اینطور نیست، رخیمیان به جام جم می‌گوید: این برنامه را من برگزار نکردم، چندین و چند برند آرایشی، مد و لباس، خودرو و ... در این مکان دور هم جمع شده و مجموعه بهاره خود را معرفی کردند. من هم یکی از برندهای حاضر بودم و هیچ اتفاق عجیب و غیرقانونی هم در این رویداد رخ نداد.

او درباره حضور چهار خانم با لباس‌های عجیب و غریب در سالن این طور توضیح می‌دهد: این خانم‌ها در واقع نمادی از عناصر اربعه بودند و مسؤول برنامه در يك



صدای موسیقی با ریتمی تند در فضا پیچیده. می‌شود از این طرف به آن طرف بروی، لباس‌ها را برداری و ببویشی تا ببینی دلت چه می‌خواهد و برای خرید کدام لباس می‌خواهی دست به جیب شوی. این حالا ما چرایی است که در بسیاری از فروشگاه‌های لباس پایتخت شاهدش هستیم و به خصوص وقتی وارد فروشگاه برندهای خارجی می‌شویم، این موارد دیگر طبیعی و عادی شده‌اند؛ چون نه پخش موسیقی به خودی خود امری ناپسند است و نه خرید لباس می‌تواند کار بدی باشد.

روز گذشته اما تصاویری از يك مراسم معرفی برندهای داخلی مد و لباس منتشر شد که خبر از برگزاری يك فشن شوی خاص در تالار آئینه دیوان شهر لواسان در نزدیکی پایتخت می‌داد تا بعد از حواشی‌ای چون ساخته شدن ویلاهای غیرقانونی، زمین‌خواری و گشتن آزادانه سگ‌ها در این شهر و آسیب دیدن يك دختر بچه، حاشیه بعدی به نام این شهر کلید بخورد؛ حاشیه‌ای که نه در فضایی معمولی، بلکه فضایی که بیننده کمی حیرت زده نگاهش می‌کرد و هی از خودش می‌پرسید واقعا آنچه می‌بیند در ایران رخ داده است؟ او اگر نبود روسری روی سر خانم‌ها، باور کنید خود ما هم فکر می‌کردیم اینجا ایران نیست. خلاصه که تصاویر منتشر شده خیلی زود دست به دست چرخید و واکنش کاربران فضای مجازی و پس از آن حمید قبادی، دبیر کارگروه مد و لباس را در پی داشت.



زینب مرتضایی فرد

فرهنگ و هنر

مومنانه زیستن

در دنیای جدید

لباس در عصر جدید دیگر صرفا وسیله‌ای برای پوشاندن بدن نیست. يك صنعت است. این متراف دانستن لباس و صنعت، خوب است یا بد؟ نمی‌توان به این راحتی بر آن صفت خوبی و بدی اطلاق کرد. زیستن در عصر مدرن اقتضائاتی دارد که یکی از آنها صنعت فرهنگ است.

نمی‌توان در دنیای مدرن زیستن و نفس کشید و فعالیت کرد و در ساختارها و نهاد‌های مختلف آن (از نهاد رسانه گرفته تا نهاد آموزش و مدرسه و دانشگاه) در رفت و آمد بود و مد و لباس را ندید یا آن را فاکتور گرفت و به حاشیه راند.

از این جهت است که در بندهای ابتدایی این سطور متذکر شدم نمی‌توان به این راحتی به پدیده مد، خوب یا بد بودن را اطلاق کرد.

مد در میان طیفی از توجه به لباس قرار گرفته که یک سر آن، موضع افراطیون مصرف‌گرا قرار گرفته و انسان مدرن را به حکم یک حیوان مصرف‌کننده دانستن، محکوم به پیروی کورکورانه از مد می‌کنند و در سر دیگر طیف هم تقریبیون سنت‌زده قرار گرفته‌اند که هر گونه تنوع و میل انسان به گونه‌گونی را طرد کرده و میل زیباشناختی و آراسته‌پوشی او را هم نادیده می‌گیرند.

لاجرم زیست مومنانه و دین‌دارانه در عصر مدرن نیازمند پدیده مد است با این ملاحظه مهم که مد این دنیا هم مبتنی بر پیوست‌ها و اقتضات خاص این دنیاست. اینجا است که صنعت مد و لباس به تعداد فرهنگ‌های بومی روی کره خاکی، تنوع و تکثر می‌یابد که خاصیت اول این تنوع و تکثر، نه به فرهنگ مهاجم و یکسویه تمدن غرب است.

اینجاست که توجه به هندسه و اقتضات فرهنگ بومی در طراحی نظام مد و لباس مبتنی بر بوم یک جامعه اهمیتی حیاتی پیدا می‌کند و اینجا است که یک گونه خاص مد و صنعت‌های وابسته آن از حلقه توزیع و تبلیغ گرفته تا آیین‌های عرضه و ارائه می‌تواند مقبول یا مظلوم باشد. مد به خودی خود امر مذمومی نیست اما اگر همراه با فرهنگ و نظام رفتاری و مختصات باشد که خارج از آیین فرهنگی یک جامعه آن باشد، حساسیت برانگیز می‌شود.

اینجاست که مواردی مانند فشن شویی که در این صفحه راجع به آن صحبت شده است به یکباره مایه اعتراض و حساسیت می‌شود چرا که همراهی آن با خرده رفتارهای فردی و اجتماعی خاصی که در نظام رفتاری یک فرهنگ شرقی و دین‌مدارانه، مورد تایید نیست. صنعت مد و لباس اگر همراه با چنین مختصاتی شد در درجه اول، حیات ذات مد را در جامعه مزبور به خطر می‌اندازد و جا را برای همه کسانی تنگ می‌کند که در این راه، ملاحظات فرهنگی و بومی خویش را هم مد نظر قرار داده‌اند.

این بار کوتاه نمی‌آییم

قبادی از ایجاد برخی محدودیت‌ها برای برندهای حاضر در این رویداد غیرقانونی هم حرف می‌زند و می‌گوید: ما بارها به فعالان مد لباس گفته‌ایم تا زمانی که از مجوز داشتن يك رویداد مطمئن نشده‌اند، در آن حضور پیدا نکنند. متأسفانه ما در این شرایط مجبوریم با برندهای خاطی برخورد کنیم تا هم از فضای مد و لباس

تا اینجا کار دستمان آمد که ظاهر مجرم اصلی که کاربران فضای مجازی انتخاب کرده‌اند، تقریبا درست از آب درنیامده و باید سراغ قبادی برویم تا ببینیم مجرم اصلی بالاخره کیست و این موضع دبیر کارگروه مد لباس در برابر این اتفاق چیست. آیا ماجرا را مثل رخیمیان می‌بیند یا ایجاد دیگری را برایش متصور است؟

همان‌طور که فکرش را می‌کردیم، او از اتفاقات پیش آمده بسیار ناراحت بود و آن را جزو مواردی می‌دانست که فضا را برای فعالان قانونمند عرصه مد و لباس مسموم کرده است. او به جام جم می‌گوید: در این نمایشگاه نه فقط مد و لباس که برندهای آرایشی و معماری و ... حضور داشته‌اند، اما متأسفانه فقط بخش‌های مد و لباس آن در فضای مجازی منتشر شده است. این اتفاق بدی است و فعالان مد و لباس را هم ناراحت کرده، چون حالا بسیاری تصور می‌کنند این رویداد را فعالان این عرصه رقم زده‌اند.

او می‌افزاید: طبعاً برگزاری چنین مراسمی خلاف قانون است و برگزارکننده آن هم سابقه چنین کارهایی را دارد. ما چند بار با اغماض با ایشان رفتار کردیم، اما این بار برخورد قاطعی با او خواهیم کرد.



انتقاد گرفتند. بعد هم کلید کردند روی عکس‌هایی که در آنها زنان و مردان جوان در کنار هم ایستاده و تصویری را به یادگاری ثبت کرده بودند.

فضا برای ما هم نامانوس بود، می‌چرخید. یکی دیگر لباس به دست جلوی اینه بود و خلاصه هر کس مشغول کاری بود. طبیعی هم هست دیگر... من و شما هم پامان برسید به جایی پر از لباس، دلمان می‌خواهد بگردیم و ببینیم چه خبر است؛ آن هم در فضایی فوق‌لاچری که بخواهی و نخواهی محوطاترافت می‌شوی. این ماجرای حاضران در برنامه‌ای بود که با عنوان فشن شو مطرح شد. کاربران فضای مجازی اما به این برنامه واکنش منفی نشان دادند و حضور آن چهار خانم با لباس‌های عجیب و غریبی که از آنها حرف زدیم را به باد